



روابط عمومی جشنواره یاس خوش استقبال و بدبدرقه

محمدصادق عابدینی جشنواره فیلم‌های ویدئویی بسا وقفهای یک ساله در حال اجرای دومین دوره خود است. جشنواره‌ای که از تهران به مازندران برده شد تا تمرکززدایی فرهنگی صورت بگیرد. گويا مسئولان روابط عمومی جشنواره فیلم یاس معنی تمرکززدایی را با عدم تمرکز ذهنی اشتباه گرفته‌اند به طوری که حتی معمول‌ترین کارهایی که یک روابط عمومی در جشنواره‌ای محلی آن را انجام می‌دهد برای آنها سخت و دشوار و غیر قابل انجام شده است. جشنواره فیلم‌های ویدئویی در دومین گام خود نیازمند آن است که بتواند جای پای خود را در میان جشنواره‌های فیلم باسابقه و ریشه‌دار باز کند. این کار مستلزم اطلاع‌رسانی و کار رسانه‌ای فشرده و دقیقی است که متأسفانه رفته رفته غیرحرفه‌ای روابط عمومی جشنواره یاس آن را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. انتظاری که از روابط عمومی به عنوان رابط جشنواره و اهالی رسانه می‌بالاتر از آن است که به همکاران خود به چشم وسایل یک بار مصرف و دور انداختنی نگاه کند.

در حالی که خبرنگاران اعزامی از تهران برای پوشش مراسم افتتاحیه جشنواره یک مأموریت کاری خوب را پشت سر می‌گذاشتند و برای بازگشت به تهران آماده می‌شدند، رفتار عجیب روابط عمومی جشنواره فیلم یاس باعث تعجب و دل‌آزردگی خبرنگاران شد. مهمان‌نوازی یکی از شاخصه‌های فرهنگ ایرانی است و خبرنگاران اعزامی رسانه‌ها اگرچه برای مأموریت کاری در شهرستان آمل حضور داشتند اما مهمان جشنواره به شمار می‌رفتند و مهم‌تر از آن این است که جزو همکاران



دستمزدهای نجومی برای نوستاره‌های سینما

محسن محمدی سینمای ایران ستاره زیاد دارد؛ سوپر استار اما یکی دوتا، شاید، خوش‌بینانه. سوپر استار در قالب تعریف جهانی‌اش به معنای بازیگری که حضورش، صرفاً حضورش، فارغ از فیلمنامه، کارگردان، سایر بازیگران و دیگر عوامل فروش یک فیلم را بتواند تضمین کند و تماشاگر را به سالن‌های سینما بکشد. در سینمای امروز کم‌کمتری می‌توان از بازیگری سراغ گرفت که از چنین توانایی و ظرفیتی برخوردار باشد. با اعضاء و ارفاق شایدهد یکی دو نفر را بتوان در قامت یک سوپر استار تصور کرد که دومی اتفاقاً سال‌هاست که کم‌کار است و پرسوساوس در برسی و سنگین کردن پیشپهاداشد. خبرهایی که این روزها رسانه‌ها می‌شنود از درخواست‌های نجومی‌ای که برخی از ستارگان سینمای ایران بابت بازی در یک فیلم طلب می‌کنند، هوش را از سر می‌برد و انسان را دچار بهت و سرگیجه می‌کند. شنیده می‌شود که یک ستاره جوان نه‌چندان مستعد در خواست ۵۰۰ میلیون‌ی کرده و در نهایت به ۳۰۰ میلیون رضایت داده است یا کف انتظار برخی از نوستارگان سینما حول و حوش ۲۰۰ میلیون دور می‌زند. درخواست این دستمزدهای چند صد میلیون در سینمای تقریباً ورسکسته ایران، مصداق این ضرب‌المثل است که گل بود، به سبز نینز از زمین شد. همه می‌دانیم که چرخ هنر هفتم در گیشه سال‌هاست که به خوبی نمی‌چرخد و عواید یا هزینه‌ها همخوانی ندارد. در طول یکسال تنها معدود فیلم‌هایی هستند که در ارکان آن چنان می‌فروشند که هزینه‌های ساخت خود را جبران کنند. فیلمی مانند «شهر موش‌ها» که به گفته تهیه‌کننده‌اش ۷/۵ میلیارد تومان هزینه ساختش شده، چند در گیشه باید بفروشد تا با کسر سهم سینماداران و... سرمایه اولیه خود را بازگرداند. فیلم‌های دیگر نیز وضعیت بهتری ندارند. در خواست‌های نجومی ستارگان برای حضور در یک فیلم اگر هم با موافقت تهیه‌کننده همراه شود، ظلم و اجحافی است بر سینما و

«پاریس تا پاریس» باز خوانی «از کرخه تا راین» است

روایتی متفاوت از زخم‌های جنگ



رهام یعقوب‌زاده محمدحسن لطیفی که قبلاً تجربه ساخت سریال در خارج از مرزهای ایران را داشته این بار قدم در فیلم سینمایی پاریس تا پاریس می‌گذارد تا قصه یک جوانباز جنگ تحمیلی را روایت کند که برای درمان به فرانسه می‌رود. قصه، بازخوانی و روایتی دیگر از فیلم «از کرخه تا راین» ایراهیم حاتمی‌کیاست که به نوعی کشمکش دورنی قهرمان قصه بین زمین و آسمان را در یک سفر آفاقی بی‌می‌گیرد تا سفری انفسی را روایت کند. آنچه بستر و بهانه این کش و قوس‌های دورنی می‌شود رابطه عاطفی قهرمان قصه با دخترش است. در اینجا نیز با شخصیت جانبازی مواجه هستیم که دوران درمان را در یک کشور غریب می‌گذراند. در این فیلم بیستر انتخابی برای این دوران گذار، احیای رابطه جانباز با خواهرش لیلیاست که دور از خانواده در آلمان زندگی می‌کند و زمینه‌ای فراهم می‌شود، تا آنها این فاصله چند ساله را در فرصتی کوتاه به نوعی جبران کنند اما در فیلم لطیفی این بستر به نوعی با عشق قدیمی قهرمان به یک زن فرانسوی برجسته می‌شود که همچون گرهای باز نشده پایمانده است.

گشایش این گرہ در رابطه مرد با زنی که تنهاش گذاشته تا به وطن خود بازگردد و در جنگ شرکت کند، در مسیر دوران حاد درمان شکل می‌گیرد. اگرچه پاریس تا پاریس در بستر یک زائر دفاع مقدسی روایت می‌شود اما کارگردان تلاش کرده تا زیست جهان متفاوت یک رزمندہ را



داوود فتحعلی بیگی با اشاره به پتانسیل بالای فارغ‌التحصیلان نمایش در ایران خواستار شد

تولیز یون درها را به روی نمایش‌های اصیل ایرانی باز کند

حامد مظفری داوود فتحعلی بیگی، هنرمندی که هم‌در عرصه اجرا و هم‌در عرصه مدیریت تئاتر جزو چهره‌های موجه است به تازگی بازی در مجموعه تلویزیونی «گذر از رنج‌ها» را پشت سر گذاشت. فتحعلی بیگی که اخیراً یک درام مذهبی را به نام «پنجا شهر دیگری است» هم روی پرده داشت از چهره‌های توانمندی است که سابقه کارگردانی تئاتر را هم دارد. همواره ایده‌هایی برای ساخت کارهای تلویزیونی هم داشته است.

یک بار سراغ کار مذهبی در تلویزیون رفتیم که افتادم در بوروکراسی اداری

فتحعلی بیگی درباره اینکه چرا کارگردانی در مדיوم‌هایی مانند تلویزیون و سینما را تجربه نمی‌کند، می‌گوید: «راستش را بخواهید یکبار در اوایل دهه ۶۰ کاری مذهبی درباره حضرت مسلم بن عقیل را به گروه معارف شبکه اول سیما ارائه دادم؛ کاری که تصویب هم شد اما به مرحله تخصیص بودجه که رسید افتاد در بوروکراسی اداری و در نهایت بودجه‌ای به آن تعلق نگرفت. این‌ها خطرناک است که کلاً ذهنیتی منفی نسبت به کار تصویر برابم شکل گیرد.»

وی ادامه می‌دهد: «از آن طرف، تصویر هیچ‌گاه برابیم جاذبه تئاتر را نداشته است. من عاشق نمایش‌های ایرانی‌ام و اگر هم شرایط فراهم شود، ترجیح می‌دهم به سراغ ساخت تله‌تئاترها بروم.»

آرمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

پاریس تا پاریس تلاش می‌کند تا بازتابی آرمان‌ها و زیست جهان رزمندگان ما در آن زمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام

مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

پاریس تا پاریس تلاش می‌کند تا بازتابی آرمان‌ها و زیست جهان رزمندگان ما در آن زمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام

مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

پاریس تا پاریس تلاش می‌کند تا بازتابی آرمان‌ها و زیست جهان رزمندگان ما در آن زمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام

مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

پاریس تا پاریس تلاش می‌کند تا بازتابی آرمان‌ها و زیست جهان رزمندگان ما در آن زمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام

مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

همان لحاظ کردن تکست و کان تکست در بزرگنمایی و بازخوانی قصه است که کمک می‌کند تا سا تماizهای مفهومی دو اثر مشابه را تشخیص بدهیم. فیلم «پاریس تا پاریس» داستان جانبازی شیمیایی به نام اسماعیل حقیقت است. او سال‌ها بعد از جنگ و مرگ همسرش بالاخره تصمیم می‌گیرد برای مداوا به پاریس برود و در این سفر، دخترش و عروسک او را هم به همراه می‌برد. او در پاریس دوستی به نام ایرج از دوران دانشجویی دارد. با شروع جنگ و بازگشت اسماعیل به تهران، ایرج با دوست مشترکشان که دختری فرانسوی است و هنوز عشق اسماعیل را با خود دارد، ازدواج کرده و حالا آنها صاحب دو فرزند و خانه و شغل مهمی در بیمارستان هستند ایرج با اعتراض‌های همسرش در راه به روی پدر و دختر باز نمی‌کند. دست تقدیر، پدر و دختر را که گرفتار دزد هم شده‌اند، از گوشه پارک به خانه یکی ایرانی باغیرت که سال‌هاست در پاریس زندگی می‌کند می‌برد. بستری شدن اسماعیل در بیمارستان، با اتفاقاتی در بیرون همراه است. یلدا عروسکش را گم می‌کند و آن را بیش یک خانواده‌ار تشی اسپیدیده از جنگ جهانی پیدا می‌کند.

یلدا این زوج گهنسال فرانسوی را به یاد دخترش می‌اندازد که در جریان جنگ جهانی دوم کشته شده است. این فیلم تماiz خود را با فیلم‌های دیگر سینمای دفاع مقدس از همین نگاه متفاوت دارد؛ نگاه صلح‌دوستانه‌ای که به دنبال حقیقت و آرمانی است که در این فیلم مورد تحسین قرار گرفته است. در واقع

ارمان، وجه جدانشدنی از هر جنگی است. طرفین جنگ آرمان‌های خودشان را دارند و در واقع پرزوری در هر جنگی بیشتر از آنکه به قدرت سلاح‌های جنگی هر کدام مربوط باشد، به پای‌بندیشان به آرمانی که برایش می‌جنگند، وابسته است.

عزم جزم سازمان سینمایی برای ارکان فیلم‌های حاشیه‌دار

می‌فرستند. او که به شدت علاقه‌مند به خانم‌هاست و مشکلات اخلاقی دارد، در این سفر برخلاف تصور او که انتظار دارد مانند یک مدیر دولتی با او برخورد شود، این اتفاق نمی‌افتد. او تلاش می‌کند فرار کند.

این فیلم نمونه‌ای دیگر و بسیار بدتر از مارمولک است. اگر در مارمولک بدلی می‌شود که در مقابل موج فیلم‌های خارجی ضد ایرانی مثل «سبب» باید

این نگاه ناروا به کشورش را هم از سوی یک کارگردان وطنی شاهدی باشد.

۳ فیلم حاشیه‌دار به رغم هشدار نمایندگان مجلس ارکان می‌شود

عزم جزم سازمان سینمایی برای ارکان فیلم‌های حاشیه‌دار

می‌فرستند. او که به شدت علاقه‌مند به خانم‌هاست و مشکلات اخلاقی دارد، در این سفر برخلاف تصور او که انتظار دارد مانند یک مدیر دولتی با او برخورد شود، این اتفاق نمی‌افتد. او تلاش می‌کند فرار کند.

این فیلم نمونه‌ای دیگر و بسیار بدتر از مارمولک است. اگر در مارمولک بدلی می‌شود که در مقابل موج فیلم‌های خارجی ضد ایرانی مثل «سبب» باید

این نگاه ناروا به کشورش را هم از سوی یک کارگردان وطنی شاهدی باشد.

